

منطق اعتراضات مجارستان



جورج فریدمن
استراتژیست

چند هفته پیش، من مقاله‌ای درباره تظاهرات‌های گسترده در بوداپست نوشتم که در آن معترضان از فساد مالی که سراسر کشور را فرا گرفته ابراز نارضایتی کردند. معترضان معتقد بودند که دولت مجارستان در این فساد دخیل است و یا اینکه حداقل نسبت به آن بی‌تفاوت است. اعتراضات بسیار گسترده بود و حدود ۱۰۰ هزار نفر در آن شرکت داشتند. از آن زمان تاکنون چهار یا پنج تظاهرات دیگر برگزار شده است؛ برخی در شهرهای نسبتاً بزرگ که حزب حاکم نخست‌وزیر وینکتور اوربان در آنها از حمایت قوی برخوردار است. به یاد دارم اعتراضات بزرگ و مشابهی در کشورهای دیگر مانند فرانسه در سال ۱۹۶۸ برگزار شد. آن تظاهرات توسط سرویس‌های امنیتی سرکوب نشدند و شارل دوگل را مجبور کرد تا استعفا دهد. در خصوص اعتراضات بوداپست اینطور به نظر می‌رسد که معترضان مخالف اوربان باشند، اما پلیس به جای تلاش برای متفرق کردن اجباری آنها، به‌طور کلی سعی در حفظ صلح و آرامش داشت. ابتدا اینطور به نظر می‌رسید که با توجه به اینکه هیچ مدرکی دال بر مقاومت او در مقابل معترضان وجود نداشت، اوربان کنترل خود را بر کشور از دست داده است. اما من اشتباه می‌کردم. این نکته‌ای است که به لحاظ اخلاقی باید به آن اعتراف کنم. اشتباه من این بود که تفاوت بین بوداپست ۲۰۲۴ و پاریس ۱۹۶۸ را تشخیص ندادم. مسئله این نیست که اعتراضات در بوداپست به اندازه گسترده نبود و یا اینکه موضوع نارضایتی مردم تمام شده است. بلکه واقعیت این است که، این آخر هفته تظاهرات گسترده‌تری در شهر دبرتسن برگزار شد. اشتباهی که من مرتکب شدم این بود که اوربان را «سیاستمداری مقتدر» به حساب آوردم که رژیمی سرکوبگر را اداره می‌کرد که از ابراز ارغاب برای کنترل کشور استفاده می‌کند. حکومت‌های اقتدارگرا با اعمال قدرت و ترس حکومت می‌کنند، بنابراین از نظر آنها هرگونه تظاهراتی که ممکن است باعث ضعف رژیم شود، باید سرکوب شود. در چنین حکومتی، وقتی تظاهراتی از این دست صورت می‌گیرد، پلیس با اقدام مستقیم و دستگیری دسته‌جمعی سعی در سرکوب آنها دارد. اوربان چنین حرکتی انجام نداده است. من شک دارم که او آرامش خیال داشته باشد، اما در عین حال تمام تلاش خود را کرده است تا به شهروندان نشان دهد که حق دارند نظرات خود را به‌طور دسته‌جمعی بیان کنند. او معتقد است که این موضوع خود به خود حل خواهد شد. رهبران اقتدارگرا استدلال می‌کنند که مجارستان یک کشور متمدن است. پس تاکنون، نه معترضان و نه دولت دست به خشونت زده‌اند. بسیاری در اروپا و ایالات متحده که اوربان را یک رهبر اقتدارگرا می‌دانند، ممکن است مجبور به تجدیدنظر درباره اوشوند. من هرگز اوربان را اقتدارگرا ندانستم اما از او انتظار داشتم که در چنین شرایط و حشمت‌ناکی مانند یک رهبر اقتدارگرا رفتار کند. این بدان معنا نیست که باید سیاست‌های او را ستود. به این معنی است که سیاست‌های سطحی نیستند. رهبران شیطان صفت وجود دارند، اما شیطان ساختن از کسی که با او مخالف هستید، به همان اندازه خطرناک است که از افرادی که شایسته‌نیستند چهره‌ای قدرتمند بسازند. بی‌میلی اوربان به استفاده از زور تا حدی به دلیل ماهیت دولت او و تا حدی به دلیل تمایل او برای نشان دادن این واقعیت است که اتحادیه اروپا چهره‌ای نادرست و غلط‌انداز از او تصویر کرده است. هدف دیگر اوربان این است که نشان دهد در حفظ فاصله مجارستان از اتحادیه اروپا، تصمیم درستی اتخاذ کرده است. نگاه اروپایی‌ها هم بسیار مهم است. اروپایی‌ها اوربان را مسئول مخالفت مجارستان با ارزش‌های اروپایی می‌دانستند و عموماً تصور می‌کردند که بدون او، مجارستان ارزش‌های اروپایی را خواهد پذیرفت. من تصاویر ویدیویی اعتراضات بوداپست را از نزدیک مشاهده کردم و افرادی در این اعتراضات دیدم که پلاکاردهایی در دست داشتند که به‌رویشان شعارهایی در محکومیت فساد نوشته شده بود. من هیچ کسی را ندیدم که خواستار ورود مهاجران به مجارستان، به رسمیت شناخته شدن حقوق همجنس‌گرایان و پذیرش دیگر ارزش‌های اروپایی غربی باشند. بنابراین، اگر تظاهرکنندگان اوربان راسنگون می‌کردند - یعنی حتی اگر این چیزی بود که آنها به دنبال آن بودند - بعید به نظر می‌رسد که مسیر سیاست‌های اخیر مجارستان را تغییر دهند. من اشتباه کردم که فکر می‌کردم اوربان حمایت خود را از دست می‌دهد. دیگران هم اشتباه می‌کنند که فکر می‌کنند اعتراضات با هدف عبور از رویه‌ها و اصول سیاسی اوربان به راه افتاده است.



نگاه

تحلیگران

Atlantic Council



«دوستان» خود را نزدیک نگه دارید. روز پنجشنبه، ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه و شی جین‌پینگ، رهبر چین، در پکن دیدار کردند تا «عصر جدید» همکاری در یک «جهان چندقطبی» را جشن بگیرند. سفر پوتین به پکن در حالی انجام می‌شود که نیروهای روسی در حال پیشروی کردن در خاکریف هستند. این سفر زمانی انجام شد که رئیس‌جمهور روسیه فرماندهی نظامی خود را قبل از حمله تائبستانی مورد انتظار در اوکراین تغییر داد. پوتین برای ادامه حمایت از اقتصاد کشورش در زمان جنگ، از جمله فروش نفت، به «دوست عزیز» خود در چین متکی است. در عین حال، شی جین‌پینگ به دنبال قفل کردن یک شریک کوچک‌تر برای چین است. زیرا اقتصاد این کشور با خطر افزایش ریسک توسط اروپا و اعمال تعرفه‌های جدید از سوی ایالات متحده مواجه است. آنچه می‌خوانید نظر کارشناسان شورای آتلانتیک است که به بررسی این موضوع پرداخته‌اند.

▼ نزدیکی پوتین و شی جین‌پینگ از طریق دشمنی با ایالات متحده



جان هرست

سفیر سابق ایالات متحده در

اوکراین

آخرین دور گفت‌وگوی پوتین - شی به‌طور زنده از شبکه‌های تلویزیون چین پخش شد. پوتین با هیئت همراه بزرگ به این امید وارد چین شد تا بلکه بتواند برادر بزرگترش را متقاعد کند که از حملات روسیه به اوکراین که هنوز موفقیت‌آمیز است، حمایت بیشتری کند. دیدار دو رهبر روسیه و چین در حالی ادامه یافت که نیروهای روسیه به دستاوردهای فزاینده، البته با تحمل تلفات سنگین ادامه می‌دهند.

این موفقیت‌های روسیه در جبهه نبرد با اوکراین به واسطه تأخیر شش‌ماهه در تصویب کمک‌های جدید ایالات متحده به اوکراین، تسهیل شده است و روسیه امروز در حال در هم کوبیدن خاکریف با موج بمباران‌های هوایی سنگین است. البته روس‌ها هنوز در جبهه نبرد به هیچ موفقیت چشمگیری دست نیافته‌اند.

دو رهبر قدرتمند روسیه و چین و هیئت‌های مذاکره‌کننده‌شان درباره وضعیت نظام بین‌الملل و تقویت همکاری و مشارکت «بدون محدودیت» گفت‌وگو کرده‌اند. آنچه پوتین را دلخور کرده، این است که عزم دو طرف برای مشارکت و همکاری «بدون محدودیت» عمدتاً شفاهی است و هنوز در عرصه عمل به اثبات نرسیده است. ولادیمیر پوتین و شی جین‌پینگ، ایالات متحده را به‌عنوان یک هژمون «متخاصم و ویرانگر»، رو به زوال، اما همچنان خطرناک توصیف کردند.

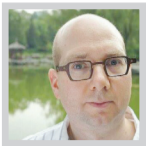
آنها بیانیه مشترکی صادر کردند که در مورد مشارکت استراتژیک عمیق و «عصر جدید» نظام بین‌الملل سخن به میان می‌آورد. با این حال، همانطور که آنها در مورد همکاری رو به رشد صحبت می‌کردند، و حتی با توجه به اینکه روند همکاری تجاری روسیه و چین در سال‌های اخیر رشد قابل توجهی داشته است، با این حال صادرات چین به روسیه در ماه‌های اخیر کاهش یافته است.

این کاهش روابط تجاری ممکن است به دلیل هشدارهای اخیر ایالات متحده به چین در مورد ارائه کمک نظامی به مسکو و تبعات اقدام چین در زیر پا گذاشتن سیاست تحریم‌ها علیه روسیه باشد. به خوبی قابل درک است که خرید نفت و گاز چین از روسیه به مسکو کمک کرده است تا تحریم‌های غرب را پشت سر بگذارد، اما شاید میزبانان چینی پوتین نمی‌خواهند به شکلی افسارگسیخته با غرب دشمنی کنند و بنابراین در این سفر به خوبی مشاهده شد که رئیس‌کامپانی نفت و گاز گازپروم، بزرگ‌ترین شرکت انرژی در روسیه در میان هیئت روسی که به چین رفتند، نبود.

همچنین قابل توجه است که پوتین از پیشنهادی‌های چین در خصوص برقراری صلح در اوکراین تمجید کرد. این موضوع نیز احتمالاً بخشی از تلاش پوتین برای متقاعد کردن چین برای شرکت نکردن در کنفرانس سوتیس در اواسط ژوئن است که قرار است در آن فرمول صلح ولودیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین مطرح شود. مسکو از حضور چین در آخرین کنفرانس در خصوص اوکراین در عربستان سعودی ناراضی بود. در نهایت باید گفت که در مجموع، دو کشور چین و روسیه به دلیل دشمنی با ایالات متحده به هم نزدیک شده‌اند. ولادیمیر پوتین در جنگ سختی که در اوکراین دارد به‌دنبال کمک بیشتر چینی‌ها، چه به لحاظ اقتصادی و چه به لحاظ نظامی است. چین دوست دارد روسیه پیروز این جنگ باشد اما در عین حال دقت می‌کند تا با حمایت بیش از حد از روسیه، موجبات تحریک ایالات متحده و غرب را فراهم نکند.

▼ جدا شدن از آمریکا و تعمیق روابط با روسیه توافقی برای چین است

مایکل شومان



پژوهشگر غیرمقیم در مرکز جهانی

چین شورای آتلانتیک

در این هفته نگاه گسترده‌ای به نظم جهانی در حال تغییر داشتیم و باید گفت منظره‌ای که مشاهده کردیم چندان خوشایند نبوده است. دو روز پس از آنکه جو بایدن، رئیس‌جمهور ایالات متحده، تعرفه‌های بیشتر و جدیدی را بر طیفی از محصولات چینی اعمال کرد، شی جین‌پینگ در پکن از پوتین استقبال کرد. پوتین و شی در پکن متعهد شدند همکاری‌های دو کشور را تعمیق بخشند. نیم قرن پیش، چین پس از جدا شدن از اتحاد جماهیر شوروی، روابط خود را با ایالات متحده برقرار کرد. اکنون که چین از ایالات متحده جدا شده است، دوباره با روسیه ارتباط برقرار می‌کند. شی فکر می‌کند که این تغییر رویه، معامله خوبی برای چین است.

او ایالات متحده‌ای را که نمی‌تواند کنترلش کند با روسیه‌ای منزوی که بیشتر قابل کنترل است، عوض می‌کند. شی شریکی برای خود دست و پا کرده است که ارزش‌ها و باورهای اقتدارگرایانه‌اش را برای ایجاد یک بلوک بدیل و غیرلیبرال و بر هم زدن سلطه غرب را باور داشته و در این مسیر قدم برمی‌دارد.

اما مشکل این است که شی قصد دارد روابطش با یک اقتصاد بیست‌وپنج تریلیون دلاری مجهز به فناوری پیشرفته که چین به آن نیاز دارد را با یک اقتصاد دو تریلیون دلاری و چیزی بیشتر از یک پمپ بنزین نیست، عوض کند. این معامله اصلاً معامله خوبی نیست. اینکه شی مایل به انجام چنین معامله‌ای است، نشان می‌دهد که او چقدر به‌طور کامل پیگیری‌های عملگرایانه توسعه اقتصادی را با یک سیاست ضدآمریکایی جایگزین کرده است که اتفاقاً همین اقدام می‌تواند به‌طور بالقوه روند توسعه چین را به خطر بیندازد.

▼ پوتین و شی می‌ترسند که آمریکا به مسابقه تسلیحاتی که آنها از قبل شروع کرده‌اند بپیوندد

متیو کرونیگ



معاون مدیر شورای آتلانتیک

در سطح ژئوپلیتیک، شراکت «دوران جدید» چین و روسیه نشان می‌دهد که جهان در حال فشرده‌تر شدن و تبدیل شدن به بلوک‌های ژئوپلیتیکی جدیدی است که مشخصه آنها روابط رو به رشد بین خودکامگان تجدیدنظرطلب علیه ایالات متحده و نظم مبتنی بر قوانین است. این حکومت‌های استبدادی، از مهم‌ترین اولویت‌های تلافی‌جویانه یکدیگر حمایت کردند. پوتین از موضع شی در قبال تایوان حمایت کرد. شی جین‌پینگ در حمایت از جنگ روسیه در اوکراین، از تلاش‌های روسیه برای «تامین امنیت» و مخالفت با «مداخله خارجی در امور داخلی روسیه» حمایت کرد. آنها در انتقاد از اقدامات ایالات متحده در تضعیف موازنه استراتژیک به یکدیگر پیوستند، اما ما به فهم این سطح از فراکنکی به دیدگاه‌های فریودار نیاز داریم! آنها ایالات متحده را به استقرار «دفاع موشکی جهانی» متهم کردند. این در حالی است که چین و روسیه در حال ساخت سامانه‌های دفاع هوایی و موشکی علیه ایالات متحده هستند و سیستم دفاع موشکی واشنگتن لزوماً علیه چین و روسیه نیست. آنها ایالات متحده را به ساخت سلاح برای «حملات اولیه بالقوه» متهم کردند، اما سلاح‌های قاره‌ای که چین آنها را توسعه داده، بهترین سلاحی است که تا به حال برای این منظور اختراع شده است و این قابلیت است که واشنگتن فاقد آن است. در نهایت، آنها از واشنگتن به دلیل برنامه‌ریزی برای استقرار موشک‌های کوتاه‌برد و میان‌برد در اروپا و اقیانوس هند و اقیانوس آرام انتقاد کردند. اما در حال حاضر، روسیه و چین هزاران فرزند از این موشک‌ها را در اختیار دارند، درحالی‌که ایالات متحده هنوز هیچ موشکی را مستقر نکرده است و صرفاً طرح انجام چنین اقدامی را انجام داده است. به نظر می‌رسد مسکو و پکن نگران این هستند که واشنگتن تصمیم بگیرد وارد مسابقه تسلیحاتی که آنها قصد انجامش را دارند، بشود.

اتحاد نزدیک

هر

